



پرسش های بی پاسخ

مدتی است که پرسش های آفاقی مرا به خود مشغول داشته اند و چون این کمترین از جاده سیاست و سیاست بازی باری هم گذر نکرده ام و گویا "اندر خم یک کوچه" هم نبوده و نیستم هنوز، پاسخ قناعت بخشی هم در زمینه به مخیله ام خطور نکرده است و همچنان از خود سوال میکنم که چرا رهبران و مسئولین بلند پایه "حزب الله" لبنان که به یقین یک سازمان خطرناک تروریستی است، یکی پی دیگر کشته می شوند و آنان هم بلافاصله یک فرد جدید را به عنوان رهبر تازه خود با قفل و داد و فریاد انتخاب نموده و نام و نصب او را هم بلافاصله اعلام میدارند و یکی دو روز بعد و یا هم در بهترین حالتی کی دو هفته بعد به گونه کشته شده و یک درجن افراد جنگی و جنگجو و جنگ طلب آنان نیز در کنار همان "رهبر" جدید راهی جهنم می شوند و این سلسله همچنان ادامه می یابد . آیا بهتر و باصرفه تر و مطمئن تر نخواهد بود که آنان، "رهبر" جدید خود را بصورت داخلی و در خفا و بین خود انتخاب کرده و نام و نشان او را علنی نساخته و در نتیجه از کشته شدن او جلوگیری نمایند؟!

و همین پرسش است که چندین سوال دیگر را نیز مطرح می نماید.

۱- آیا همین سازمان تروریستی "حزب الله"، در میان تشکیلات سازمانی خود دچار اختلافات کشنده نگردیده اند ؟

۲- آیا مقامات جمهوری اسلامی ایران اعتماد بی چون و چرای شانرا در مورد "حزب الله" از دست نداده اند ؟

۳ - آیا مقامات آخندی ایران با اسرائیل داد و معامله های پس پرده ندارند ؟

۴ - آیا مسئولین بلندپایه سازمان های "حماس" و "حزب الله" که در تهران و لبنان و فلسطین، یکی پی دیگر کشته می شوند، به اشاره و تائید و همکاری "نیرو" های نظامی ناراضی از آخند های ایران در داخل رژیم سرکوبگر ایران، نخواهد بود ؟

۵- آیا عمر نکبتبار جمهوری اسلامی ایران بعد از بیشتر از چهل سال جنایت و جنگ افروزی و صدور جنگ و ترور و ترغیب و توطئه و...، به پایان خود نزدیک است؟

۶- دلیل اصلی و مهم اینکه مقامات مسؤل کاخ سفید، مانع حمله اسرائیل به ایران می شوند، چه خواهد بود؟

۷- چرا مقامات در کاخ سفید، جنگ وحشتناک اسرائیل را در فلسطین اشغالی تائید و حمایت میکنند، اما مانع جنگ اسرائیل و ایران آخندی میگردند؟

اگر دامنه این پرسش ها را پی بگیریم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد که با یقین کامل، اگر نه همه، بیشترین آنها هرگز پاسخ قناعت بخشی نخواهند یافت.

در این اواخر بیشمار افراد رده بالای نظامی ایران، گویا جاسوسان اسرائیل از آب بدر آمده اند که این خود نارضایتی شدیدی نظامیان ایران را از رژیم سرکوبگر آخندی ایران میرساند.

از این گذشته اگر اندکی دقیق ببیندیشیم، چگونه امکان تواند داشت که سالها حزب الله لبنان مشغول تونل سازی و نقب زنی در زیر زمین باشد، بیشمار تونل های طولانی و فراخ حفر کند، بیشمار سلاح و مهمات، پول و مواد خوراکی و هزار و یک ضروریات مهم و اساسی زندگی را در زیر تونل ها انتقال دهند و این تونل ها به اندازه فراخ باشند که تمام لوازم ضروری یک زندگی عادی در آنها گرد آورده شوند، بلیونها دالر بسته های پول نقد، هزاران هزار خشت طلا، صندوق ها مواد غذایی و مواد منفجره، میز، چوکی، یخچال، اسباب پخت و پز و...، با اندازه مصرف یک سال یا بیشتر از آن ذخیره گردند و طول این تونل ها هم از یک کشور به کشور دیگر برسد و...، اما سازمانهای امنیتی اسرائیل از آنها غافل مانده و ستلایت های قوی در فضا هم هیچگونه عکس و فلم، حتی از برون ریختن آنهمه خاک و سنگ و خشت و سنگریزه و...، که شاید هزاران هزار تن بوده باشد، هیچ حرکت غیر نورمال و انتقال آنهمه خاک از زیر زمین به سطح زمین و نقل و انتقالات، ولو در ساحات ساخت و ساز و تعمیر و خانه سازی و...، به مراکز شان مخابره نکرده اند و این در حالی بوده است که طول این نقب ها و تونل ها به صدها کیلومتر و شاید هم هزاران کیلومتر میرسیده است.

آیا مقدمات این جنگ ها در اسرائیل و فلسطین اشغالی و لبنان و...، از قبل چیده نشده بوده است و این جنگ های خانمانسوز حاصل یک طرح وحشتناک از قبل طراحی شده نبوده است؟

از سوی دیگر زمانی که نیرو های "حماس" از طریق زمین و زیر زمین و هوا به یکبارگی حملات

گسترده به قلمرو اسرائیل را سال پار آغاز کردند و باقی ماجرا، چگونه نیرو های فوق مدرن و بی نهایت اساس اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در زمین و در فضا هیچ عکس العملی نشان ندادند و نیرو های نظامی گوش به زنگ سرحدی اسرائیل گویا در "خواب خرگوش" فرو رفته بوده اند و ... اینها همه میرسانند که مقدمات این جنگ ها مدت ها قبل ریخته شده بود و آنان فقط منتظر همچو اعمالی بودند تا از خود یک عکس العمل فوق العاده خشن و برق آسا نشان داده و به اهداف شان که همانا نابودی کامل سازمانهای تروریستی " حزب الله" و "حماس" و نیز اشغال اراضی بیشتر در سرزمین های در محاصره قرار داده شده فلسطین و مسکن ساختن صدها و هزاران فامیل اسرائیلی در آن سرزمین های اشغالی گردیده و به اهداف طویل المدت خود برسند و ...

از طرف دیگر آخذ های جمهوری اسلامی ایران که عمر نکبتبار رژیم سرکوبگر شانرا در ایران با چشم و سر، به سر رسیده می بینند و خوب میدانند که در حالت نزع قرار دارند و...، از همان ترفند جنگ ایران - عراق استفاده میکنند تا بدین وسیله هم از احساس وطن دوستی مردم شریف ایران استفاده ناجائز نمایند، هم زمینه یک جنگ تمام عیار را در منطقه آماده ساخته و در نتیجه چهار روز دیگر به عمر ننگین رژیم منفور و مردود شان بیافزایند.

در جنگ ایران و عراق که سالهای نخست اقتدار آخذ ها بود، با سادگی از احساسات ملی و میهنی مردم ایران استفاده کرده و هزاران هزار مرد و زن و پیر و جوان و...، را گوشت دم توپ ساخته، به گردنهای شان "کلید بهشت" را آویختند و آنها را روانه کشتارگاه ها نمودند، درحالیکه آخذان و متعلقین و متعلقات شان هیچ کدام راضی به رفتن به "بهشت موعود" نبوده و خمی هم بر ابروی شان نیامد. اما اینبار نه جنگ عرب و اسرائیل آنان را از مرگ حتمی نجات خواهد داد و نه هم دعوای مسلمانی و اسلامیت و نه هم بلیونها دالر پول نفت و یا هم کمک های بیدریغ روسیه و چین و چند رسوای دیگر.

اینهمه در حالیست که رژیم اسرائیل با تمام هوش و حواس و تمام اطلاعاتی که دارد و خوب میداند که تمام جنگ طلبی ها و جنگ افروزی ها و تأمین کامل نیرو های "حزب الله" و "حماس" و...، از جانب ایران صورت میگیرد و در همه آنها دستان آخذ های فتنه گر جمهوری اسلامی ایران بصورت خیلی ها واضح و هویدا و به پیمانها های بی نهایت گسترده دخیل است و منبع شر و فساد آخذ های ایران است، چرا مردم مظلوم فلسطین را وحشیانه نیست و نابود میکند و گویا بجای آنکه خر را بزند، به پالان خر کوبیده راهی است.

پاسخ به این پرسش فقط این تواند بود که هم اسرائیل و هم امریکا و متحدین، همه و همه به یک نیروی جنگ افروز در منطقه به هزار و یک دلیل ضرورت دارند و چه منبع ای بهتر از آخذ های ایران و جمهوری اسلامی شان که بالای مغزن تیل در منطقه همچو یک مار کبرا چمپاته زده است و مستقیم و غیر مستقیم بازار جنگ را در منطقه نه تنها گرم نگهداشته، بلکه بر آتش آن نفت هم ریخته و پکه میزند.

و اما پرسش های نخست این مختصر شاید هیچگاه پاسخ های قناعت بخشی دریافت نکند که نمی کند و هر کس میداند و طرز تفکر و طرز برداشت و تجزیه و تحلیل خودش.

عجب صبری خدا دارد که پرده بر نمی دارد

وگرنه بر زمین افتد ز جیب محتسب مینا

هرچند این کمترین مانند اکثریت نسل بشر، با تمام هوش و حواس و با تمام عقل و خرد انسانی و با تمام منطق بشری، مخالف جنگ در روی کره زمین هستم، حال تفاوتی ندارد که در اسرائیل باشد یا فلسطین، در ایران باشد یا توران، در شرق باشد یا غرب، در شمال باشد یا جنوب، و...، و بر هرچه جنگ در روی کره ارض است و بوده و خواهد بود، نفرین میفرستم، اما اگر یک جنگ اساسی، بنیاد جنگ های متفرقه در این گوشه یا آن گوشه زمین و کشتار بنی آدم تحت نام ها و بهانه های سخت رنگ باخته؛ را برکند، چار ناچار باید بدان گردن نهاد و از کشتار انسانهای بیگناه مظلوم و بی دفاع در روی کره زمین بدین صورت جلوگیری کرد و بنیاد جنگ طلبی، جنگ افروزی و جنگ فروشی و جنگ خری را برای همیشه برچید تا یک تعداد سوداگران مرگ در این گوشه یا آن گوشه زمین، تجارت خونین شان متوقف شده و سلاح فروشی و سلاح خری برای همیشه متوقف گردیده و بازار این سوداگران مرگ گساد گردد.

ایکاش در روی زمین دگر جنگ نباشد. ای کاش صدای توپ و تیر و تفنگ نباشد. ای کاش هرگز در هیچ کجا، سنگی بر پای یک لنگ نباشد. ای کاش دیگر خبری از رنگ و رنگین و بی رنگ نباشد. ای کاش...

پس چار ناچار باید با هر قیمتی که می شود رژیم خون آشام جمهوری اسلامی ایران نابود و مضمحل گردد، هرچند باعث کشتار تعداد بیشماری از مردم شریف ایران خواهد شد و...، اما آیا در همین چهل و چند سال گذشته که این رژیم سفاک قدرت را در آن سرزمین در چنگال خونین خود دارد، هزاران هزار ایرانی را با دستن خونین خود بلاوقفه از دم تیغ عداوت خود نگذشته و نمی گذراند هنوز!؟

جنگ در هیچ گوشه دنیا چاره اساسی کار نبوده و نیست، اما بعضاً راه دیگر وجود نمی داشته باشد و صلح هم همیشه با جنگ به دست آمده است...

و حرف آخر هم اینکه تا رژیم تازیانه و دار آخندهای ایران حرف زور میزند، یگانه و ساده ترین راه که خیر مردم ایران و منطقه در آن مضمر باشد و نیز صلح در منطقه و جهان برگردد و دیگر جنگ حرف اول را در جهان نزند و از ریختن خون مظلومان تاریخ جلوگیری شود، جنگ مستقیم با رژیم آخندی ایران است که خود بخود با شکست و اضمحلال آن رژیم، "حزب الله" و "حماس" و اکثریت سازمانهای تروریستی منطقه، همه و همه خودبخود مضمحل گردیده و صلح در اسرائیل و فلسطین اشغالی و لبنان و یمن و سوریه و...، نیز عرض وجود خواهد کرد و سوداگران مرگ در امریکا و اروپا و روسیه و چین و کوریای شمالی و هند و...، نیز بازار فروشات شان خواهی نخواهی سقوط خواهد کرد.

چه خوش گفته بوده است "ابوسعید ابوالخیر" باری:

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من

وین حرف معما، نه تو خوانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو

چون پرده برافتد، نه تو مانی و نه من

یار زنده و صحبت باقی